

**شنبه 16 دی 1391 - 22 صفر 1433؛ انوبه 2013**

درگذشت علی اسفندیاری متخلص به نیما یوشیج در سال 1338 هجری شمسی...

**درگذشت علی اسفندیاری متخلص به نیما یوشیج در سال 1338 هجری شمسی**

علی اسفندیاری متخلص به نیما یوشیج از شاعران نوپرداز معاصرو پدر شعر فارسی در سال 1338 هجری شمسی با زندگی وداع کرد. او در دهکده یوش مازندران بدنیا آمد. در تهران تحصیلاتش را ادامه داد و زبانهای فرانسه و عربی را آموخت. نیما به تشویق استادش نظام وفا سرودن شعر را آغاز کرد و سرانجام سبکی در شعر ایران پدید آورد که به شعر نو یا شعر نیمايي مشهور است. مبانی و اصول شعری نیما را از نوشته‌هایش می‌توان دریافت زیرا او در اغلب آثار منظومش به شرح آراء خود پرداخته است. از ویژگیهای شعر نیما بیان عینی شعرو به کارگیری وزن و قافیه به تناسب است. برای نیما وزن تابع زبان شعراست که از صورت طبیعی کلام و آهنگ گفتار سرچشمه می‌گیرد و در خدمت بیان عینی شعر درآمد. از زیباترین آثار نیما یوشیج #171; قطعه شعرافسانه» را می‌توان نام برد.

**شهادت حماسی شهدای هویزه**

دی ماه سالروز حماسه خونین هویزه بدست دانشجویان پیرو خط رهبری و به فرماندهی دانشجوی شهید حسین علم الهدی (1359) با سیری در گذشته نه چندان دور دانشگاه و با یادآوری فضای مسموم حاکم بر مرکز آموزش عالی، به هنگام نگاهی بر جدائی عمیق دانشگاه از امت، پرده از بسیاری از مسائل بر داشته میشود.

آری همان دانشگاه و دانشگاهی تا پاره ای از حرکت انقلاب اسلامی همچنان به راه خویش ادامه داد تا اینکه دانشجوی مسلمان با همیاری اساتید متعهد و معتقد به اسلام و انقلاب اسلامی پروازی را آغاز کردند که فولادین میله های دانشگاهی را که روزی باعث جدائی دانشگاه از کل جامعه بود از بیخ و بن برکنند.

آری اینک سخن از دانشگاهی است که سراسر میهن اسلامی وسعت آن است. دانشگاهی که "هویزه" آزمایشگاه آن بوده و خود گواهی میدهد که چگونه برادران دانشجوی مسلمان در این مسلخ چه بهایی سنگین پرداختند.

آری عروج از حوض فرهنگ وابسته تا اوج قله خونین سرخ شهادت.

راستی اگر دانشگاه در سرزمین به خون نشسته جنوب شهادت نمی خواند، چگونه یارای تطهیر فرهنگ طاغوت را می یافت.

و اینک از تقدس روح پاک و مطهر عزیزان ما همانها که درس عشق آموختند و پیام خویش به ما ارزانی داشتند، دانشگاه در عمق میهن اسلامی شکل گرفته است.

عهد و پیمان بندیم که هرگز خط سرخشان را در دانشگاهها به دست فراموشی نخواهیم سپرد.

طی هشت سال جنگ تحمیلی، حماسه های زیادی آفریده شد که هر يك از آنها ویژگی های خاص خود را داشت و در روند جنگ، مؤثر بود. یکی از این حماسه ها، حماسه هویزه است.

در حماسه هویزه که به عنوان اولین حمله سراسری ایران سازماندهی شده بود، تعداد زیاد شهیدان که از 29 شهر مختلف کشور بودند، موجی از شهادت طلبی در همه کشور ایجاد کرد. بنا به گفته بسیاری از رزمندگان خوزستانی، شهادت حسین علم الهدی که در ماههای

شروع جنگ مسؤل تقسیم بندی نیروهای اعزامی سراسر کشور به خوزستان بود و سخنرانیهای آتشین وی که از صدای جمهوری اسلامی در همه جبهه ها و شهرهای خوزستان طنین افکن شد، موجی از شهادت طلبی در استان خوزستان ایجاد کرد. همچنین خبر شهادت مظلومانه دانشجویان پیرو خط امام که از شهرهای گوناگون بودند، در تمام کشور موجی از شهادت طلبی در جوانان به وجود آورد.

عملیات هویزه اولین حمله مهم ایران بود که بین نیروهای مردمی یعنی سپاه، ارتش، بسیج و عشایر هماهنگی کامل برقرار شد.

ستاد مشترک ارتش طرحی تهیه کرد که مبنای عملیات نصر ( هویزه ) قرار گرفت. در این طرح چهار مرحله پیش بینی شده بود که در مرحله اول، جفیر و پادگان حمید، در مرحله دوم کوشک و طلائییه و ایستگاه حسینییه و در مرحله سوم خرمشهر آزاد می شد. در مرحله چهارم نیز تک به داخل خاک عراق به منظور تصرف حومه بصره ( تنومه ) ادامه می یافت.

عملیات هویزه چند درس بسیار اساسی برای پیشبرد جنگ به ما آموخت، درسهایی که از برکت خون شهدای هویزه به دست آمد و با آموختن این درسها بود که پس از چند ماه عملیات بزرگی مانند فتح المبین و بیت المقدس به وقوع پیوست.

1- نیروهای مردمی گرچه دانشگاه جنگ ندیده بودند، اما توانستند چون نظامیان دوره دیده، وارد عمل شوند.

2- هماهنگی بین نیروهای مردمی و ارتش امکان پذیر شد و با این هماهنگی بر خلاف تبلیغات بنی صدر امکان از پای در آمدن ارتش عراق به وجود آمد.

3- برای عملیات باید خط مشی و نقطه ابتدا و منتهی مشخص شود. در عملیات هویزه، قصد ابتدایی از عملیات، آزادسازی پادگان حمید بود، اما وقتی ارتش عراق شکست خورد، نیروهای مخلص همچنان به پیش تاختند و به هدف آزادسازی خرمشهر به راه خود ادامه دادند که ناگهان ارتش عراق، همچون ماری زخمی، صدها تانک به منطقه اعزام کرد و رزمندگان پیش تاخته را پس از محاصره، قلع و قمع کرد.

5- نیروهای تازه نفس جایگزین خط شکنها می شدند. در عملیات هویزه تنها یک دستگاه وانت در اختیار نیروهای مردمی بود که آن هم آذوقه و وسایل آنها را حمل می کرد. حدود 150 نفر نیروی پیاده پس از طی مسافتی در حدود 25 کیلومتر خط مقدم عراق را شکستند و به نبرد با ارتش متجاوز عراق پرداختند و هیچ نیرو و امکاناتی برای جایگزین کردن خط شکنها پیش بینی نشده بود.